

Analysis of the Requirements Governing the Suspension of Elections Under Article 68 of the Constitution Based on Statutory Laws and the Opinions of the Guardian Council

Mehdi Nouraei

Assistant Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. iran.ut.ac.ir@gmail.com

Abstract

Governance in the Islamic Republic of Iran is founded on the will of the people as an unalterable principle. A key mechanism to uphold this principle is the formation of legislative assemblies through elections, where representatives from various constituencies participate, as well as the periodic nature of such assemblies. The cyclical renewal of legislative bodies is a crucial factor in the circulation of power. In this regard, the constitutional legislator of the Islamic Republic of Iran has established a four-year term for the parliament (Majlis) as the norm. However, in circumstances where elections cannot be held, Article 68 of the Constitution specifies a mechanism under which elections may be suspended, contingent upon compliance with this mechanism. The primary question of this research is: What is this mechanism, and what are its dimensions? According to Article 68 of the Constitution, elections in occupied regions or across the entire country may be suspended for a specified period upon the proposal of the President, approval by three-fourths of the total members of the Majlis, and confirmation by the Guardian Council. The constitutions of some other countries also allow for the suspension of parliamentary elections during wartime. In addition to war and military occupation, other circumstances—such as natural disasters and electoral violations—may warrant the suspension of elections. In such cases, the Guardian Council, by virtue of its authority under Article 99 of the Constitution to supervise elections, may take action to suspend them. Regarding the process stipulated in Article 68 for suspending elections and the nature of its components, this research concludes that the President's proposal cannot be considered a bill (*lāyiha*), as legislative bills must first be approved by the Council of Ministers before being submitted to the Majlis. The requirement of approval by two-thirds of the total members of the Majlis exists because suspending elections is an exceptional measure that must be justified by genuine and undeniable obstacles, and the decision

Cite this article: Nouraei, M. (2025). Analysis of the Requirements Governing the Suspension of Elections Under Article 68 of the Constitution Based on Statutory Laws and the Opinions of the Guardian Council. *Parliament and Legislation*, 1(1), p. 21-42. <https://doi.org/10.22034/MLAW.2024.10621>

Received: 2024-08-05 ; **Revised:** 2024-01-16 ; **Accepted:** 2024-02-18 ; **Published online:** 2025-04-09

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Islamic Parliament Research Center



should rest with the overwhelming majority of representatives, who must express their opinion on behalf of the people regarding the suspension or continuation of elections. This ensures that the decision is not abused by a small faction of representatives. Furthermore, the nature of the Guardian Council's approval of the Majlis' resolution is not solely based on Articles 94 and 99 of the Constitution; it goes beyond these provisions. The Guardian Council can assess the Majlis' resolution not only for compliance with these two articles but also for its alignment with the country's interests and the ruling system. If the resolution contradicts these principles, the Guardian Council has the authority to reject it.

Keywords: Elections, Islamic Consultative Assembly (Majlis), Article 68 of the Constitution, Parliamentary Representatives, Guardian Council.

تحليل الزامات حاکم بر توقف انتخابات به موجب اصل ۶۸ قانون اساسی با اتکاء به قوانین موضوعه و نظريات شورای نگهبان

مهدی نورایی

استاديار، دانشگاه شهيد بهشتی، تهران، ايران. iran.ut.ac.ir@gmail.com

چکیده

حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران بر پایه اراده مردم به عنوان اصلی غیر قابل تغییر است. از تمهیدات این مهم تشکیل مجالس قانونگذاری با حضور نمایندگان مردم از حوزه‌های مختلف انتخابیه، پس از طی فرایند انتخابات و همچنین ادواری بودن مجالس قانونگذاری است. ادواری بودن عامل مهم گردش قدرت به‌شمار می‌رود. در همین رابطه قانونگذار اساسی در جمهوری اسلامی ایران اصل را بر چهار ساله بودن مجلس تعیین نموده است؛ اما در شرایطی که امکان برگزاری انتخابات وجود ندارد، اصل ۶۸ قانون اساسی سازوکاری را تصریح می‌نماید که توقف انتخابات منوط به رعایت آن سازوکار است. اینکه این سازوکار چیست و از چه ابعادی برخوردار است، مهم‌ترین سوال پژوهش حاضر است. به موجب اصل ۶۸ قانون اساسی پس از پیشنهاد رئیس جمهور و موافقت سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس تأیید شورای نگهبان، انتخابات در نقاط اشغال‌شده یا در کل کشور برای مدت معین متوقف می‌شود. در قوانین اساسی برخی کشورها نیز توقف انتخابات مجلس در شرایط جنگ، ممکن دانسته شده است. علاوه بر جنگ و اشغال نظامی کشور، می‌توان به شرایط دیگری اشاره نمود که می‌تواند زمینه‌ساز توقف انتخابات شود؛ از جمله این موارد بلایای طبیعی و تخلفات انتخاباتی است. در این مواقع، شورای نگهبان از حیث صلاحیتی که به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی به‌منظور نظارت بر انتخابات برخوردار است، می‌تواند نسبت به توقف انتخابات اقدام نماید. در رابطه با فرآیندی که در اصل ۶۸ قانون اساسی جهت توقف انتخابات پیش‌بینی شده و ماهیت هریک از آنها، ذکر این نکته لازم است که مطابق نتایج حاصل در این پژوهش، ماهیت پیشنهاد رئیس‌جمهور را نمی‌توان لایحه دانست، به جهت آنکه لوائح قانونی پیش از ارائه به مجلس می‌بایست به تصویب هیأت‌وزیران برسد. ضرورت موافقت دوسوم مجموع نمایندگان مجلس نیز از آن جهت است که توقف انتخابات، امری استثنایی است و باید منوط به بروز موانع واقعی و غیر قابل انکار باشد و تشخیص آن می‌بایست به عهده قاطبه نمایندگان مردم گذاشته شود؛ تا به نمایندگی از آحاد مردم نسبت به توقف یا عدم توقف انتخابات، نظر خود را اعلام دارند. ضمن آنکه تمایل گروه اندکی از نمایندگان، موجب سوءاستفاده از این اصل نشود. ماهیت تأیید مصوبه مجلس توسط شورای نگهبان نیز صرفاً از جهت اصل ۹۴ و اصل ۹۹ نیست؛ بلکه فراتر از این موارد

استاد به این مقاله: نورایی، مهدی (۱۴۰۴). تحلیل الزامات حاکم بر توقف انتخابات به موجب اصل ۶۸ قانون اساسی با اتکاء به قوانین موضوعه و نظريات شورای نگهبان. *مجلس و قانونگذاری*. (۱۱)، ص ۴۲-۲۱. <https://doi.org/10.22034/MLAW.2024.10621>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

بوده و شورای نگهبان می‌تواند مصوبه مجلس را علاوه بر تطبیق با دو مورد پیشین، با مصلحت کشور و نظام حاکم نیز تطبیق داده و در صورت مغایرت مصوبه مجلس با این عنصر، آن را رد نماید.

کلیدواژه‌ها: انتخابات، مجلس شورای اسلامی، اصل ۶۸ قانون اساسی، نمایندگان مجلس، شورای نگهبان.

۱. مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران، تعیین نمایندگان مجلس صرفاً از طریق انتخابات صورت می‌پذیرد؛ لکن در مواقعی ممکن است امکان برگزاری انتخابات فراهم نباشد و همین عوامل، منجر به توقف انتخابات در یک یا چند حوزه انتخابیه شود. در شرایطی نیز ممکن است برگزاری انتخابات در تمامی حوزه‌های انتخابیه متوقف گردد؛ در این صورت، لازم است تدابیری اندیشیده شود تا کشور بدون حضور نمایندگان مردم در مجلس اداره نشود. به همین جهت، اصل ۶۸ قانون اساسی، فرآیندی را پیش‌بینی نموده و شرایطی را ذکر کرده که در آن شرایط، با رعایت فرآیند مذکور در این اصل، امکان تمدید موقت دوره مجلس سابق فراهم شود. در نظام حقوقی بسیاری از کشورها از جمله فرانسه و فنلاند، برگزاری انتخابات زودهنگام مجلس با دستور رئیس‌جمهور یا مقامات مشابه پیش‌بینی شده است (مدکس، ۱۳۸۵، ص ۳۴۸، ۳۵۵)؛ اما تمدید دوره فعالیت مجلس، مورد پردازش قرار نگرفته است. با این حال، برخی کشورها قائل به این موضوع شده و بعضاً فرآیندی را برای آن نیز پیش‌بینی نموده‌اند. چنانکه در کامبوج اگر اوضاع و احوال اجازه تجدید انتخابات را ندهد، به درخواست پادشاه و با موافقت حداقل دوسوم کل اعضاء می‌توان هر بار تا یک سال دوره تقنینی را تمدید کرد (مدکس، ۱۳۸۵، ص ۳۶۸). در سوریه نیز تمدید دوره مجلس به موجب اصل ۵۱ قانون اساسی، صرفاً در حالت جنگ و به موجب قانون، مجاز است. همچنین، در صورتی که انتخابات مجلس جدید ظرف ۹۰ روز از تاریخ انقضای دوره قبلی مجلس صورت نگیرد؛ مجلس قبلی به موجب اصل ۵۸، تشکیل و تا انتخابات مجلس جدید به کار خود ادامه خواهد داد. در انگلستان نیز با وجود آنکه دوره قانون‌گذاری مجلس عوام حداکثر ۵ سال است؛ اما پارلمان می‌تواند با تصویب هر دو مجلس، آن را تمدید کند (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۳۰۹). در ایتالیا نیز دوره نمایندگی مجلس پنج سال است و تمدید مدت آن مبتنی بر اصل ۶۰ قانون اساسی، تنها از طریق قانون و در وضعیت جنگی ممکن است. در آلمان هم به موجب اصل (۱۱۵-ح) قانون اساسی، اگر دوره مجلس در شرایطی که کشور در حالت دفاع به سر می‌برد، پایان یابد؛ مجلس تا شش ماه پس از خاتمه دفاع مزبور، به فعالیت خود ادامه خواهد داد. اینکه جمهوری اسلامی ایران چه شرایطی را به عنوان مستثنیات اصل چهار ساله بودن دوره نمایندگی در نظر گرفته و چه فرآیندی را جهت تداوم کار مجلس پذیرفته است و ابعاد این فرآیند چیست؛ مهم‌ترین سؤالاتی هستند که پژوهش حاضر درصدد پاسخ به آنهاست. با این مختصات، سؤال اصلی پژوهش حاضر، بررسی الزامات حاکم بر اصل ۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور، از روش تحلیلی استفاده شده است. ضرورتی که پژوهش پیش‌رو را مهم می‌نمایاند، همان ضرورتی است که حکمرانی در کشور را متکی به اراده عمومی دانسته است. چه آنکه اگر از قانون اساسی، هرگونه برداشت و تعبیر و تفسیری صورت گیرد که بدون رعایت الزامات اساسی حاکم بر نظام حکمرانی اسلامی باشد؛ می‌تواند کشور را از رسیدن به اهداف عالیه خود بازدارد. ضمن

آنکه، هیچ تردیدی وجود ندارد که تصاحب‌کنندگان قدرت، همواره میل به جاودانگی در منصب و مقام خویش برای برخورداری از امتیازات ویژه قدرت دارند. تجربه کشورهای مختلفی که نوعی دموکراسی را هم اختیار نموده‌اند، در این خصوص کم نیست. منهای کشورهای پادشاهی و غیردموکراتیک در کشورهای دموکراتیک نیز، از تاجیکستان و سوریه تا مصر و ترکیه و حتی روسیه و چین و بعضاً برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی، این خصیصه مذموم در برخی ادوار، قابل ملاحظه است. مطالعه آثار و ادبیات علمی موجود، حاکی از عدم پردازش موضوع مورد بحث و یا عدم توجه به زوایای مورد تأکید در این پژوهش و یا عدم ارتباط به پردازش مباحث با یک رویکرد تحلیلی و چندی‌بعدی است. از این حیث، اثر پیش‌رو بدیع و نوآورانه و دارای ارزش علمی ارزیابی می‌شود. تنها پژوهش علمی مرتبط با این موضوع، با عنوان «تحلیلی بر توقف انتخابات مجلس شورای اسلامی موضوع اصل ۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، بوده که از جهت محتوا و ادله و ابعاد بررسی، تمایز بسیار با اثر پیش‌رو دارد. در اثر مذکور، اساساً نوع مواجهه با موضوع و ابعاد مختلف آن، تمایز اساسی با مباحث ارائه‌شده در اثر پیش‌رو وجود دارد. بنابراین، پردازش این موضوع و پاسخ به این سؤالات، با توجه به نقشی که مجلس در اداره امور کشور دارد و با توجه به اهمیتی که قانون‌گذار اساسی برای تعیین نمایندگان با اتکاء به آراء عمومی و از طریق انتخابات قائل شده و با توجه به تصریح اصل ۶۳ قانون اساسی بر چهارساله بودن دوره نمایندگی، اهمیت بسیار می‌یابد.

۲. اختصاص توقف انتخابات موضوع اصل ۶۸ به انتخابات مجلس

از اطلاق واژه «انتخابات»، چنین به نظر می‌رسد که مقوله توقف انتخابات، تمامی انواع انتخابات را دربرمی‌گیرد و در صورت وجود شرایط صدر اصل ۶۸ قانون اساسی و انجام فرآیندی که در این اصل مقرر شده، می‌توان برگزاری هر نوع انتخاباتی را متوقف نمود. چنین تصویری، نه تنها با آنچه که ذیل این اصل در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد بحث بوده، تطابق نمی‌یابد؛ از جهات دیگری نیز محل اشکال است. نخست، به جهت آنکه اصل ۶۸ قانون اساسی در فصل مربوط به قوه مقننه ذکر شده و همین امر می‌تواند بر اختصاص موضوع این اصل به توقف انتخابات مجلس شورای اسلامی دلالت نماید. علاوه بر این، در قسمت انتهایی اصل مذکور، مقرر شده: «در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد». لذا، با این عبارت، اطلاق واژه «انتخابات» به انتخابات مجلس شورای اسلامی مقید شده است. بنابراین، عمومیت دادن حکم مذکور در این اصل به تمامی انواع انتخابات، صحیح به نظر نمی‌رسد.

برداشت مضیق از توقف انتخابات در صورت بروز جنگ و اشغال نظامی، ممکن است با این اشکال مواجه شود که مشخص نیست به چه دلیل در صورت بروز جنگ و اشغال نظامی، تنها انتخابات مجلس

شورای اسلامی متوقف می‌شود؛ اما در صورت وجود همین دلیل، سایر انتخابات‌ها همچون انتخابات ریاست جمهوری، متوقف نخواهند شد. با اینکه بروز چنین شرایطی در این گونه انتخابات‌ها نیز می‌تواند مانع از برگزاری آنها شود. در رفع این اشکال باید گفت، اصل ۱۳۱ قانون اساسی در این رابطه مقرر می‌دارد: «... در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را برعهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه و معاون اول رئیس جمهور، موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت ۵۰ روز، رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور، معاون اول نداشته باشد؛ مقام رهبری، فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند». بنابراین، مطابق اصل فوق، اولاً، امکان توقف انتخابات ریاست جمهوری و عدم برگزاری آن، پیش‌بینی شده است. ثانیاً، برای این مشکل، راه‌حلی اندیشیده شده و آن اینکه، شورای موصوف در اصل فوق می‌بایست مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را ظرف ۵۰ روز فراهم نماید. ثالثاً، تا زمان انتخاب رئیس جمهور جدید، با موافقت مقام رهبری، وظایف و مسئولیت‌های رئیس جمهور از سوی معاون اول وی انجام شده و در صورت عدم امکان، فرد دیگری به انتخاب مقام رهبری، وظایف و مسئولیت‌های او را برعهده می‌گیرد. بر همین اساس، ماده ۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «چنانچه شورای نگهبان به دلایلی انتخابات ریاست جمهوری را در سراسر کشور متوقف یا باطل اعلام نماید، وزارت کشور با کسب نظر شورای نگهبان در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات اقدام می‌نماید». ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۴ مجلس شورای اسلامی نیز بیان می‌دارد: «شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضی از مناطق، اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه‌های همگانی اعلام می‌نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد، قطعی و لازم‌الاجرا است و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد». دومین الزام حاکم بر توقف انتخابات، توجه به شرایط و موجبات توقف است. به برخی از این موارد در قانون اساسی اشاره شده است.

۳. موجبات توقف انتخابات مجلس

در شرایطی که برگزاری انتخابات ممکن نباشد یا به جهات دیگری، انتخاب آزاد اشخاص، مخدوش و ناممکن گردد؛ قانون‌گذار اساسی، مجوز توقف انتخابات را با رعایت فرآیندی که در صدر اصل ۶۸ قانون اساسی تصریح نموده است، اعلان داشته است. در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

۳-۱. جنگ و اشغال نظامی کشور

صدر اصل ۶۸ قانون اساسی به امکان توقف انتخابات در شرایط جنگ و اشغال نظامی کشور تصریح نموده است. از جمله علل توقف انتخابات در صورت بروز جنگ و اشغال نظامی کشور را می‌توان اضطراب، صیانت از حق تعیین سرنوشت افراد در شرایطی که امکان انتخاب آزادانه وجود ندارد، رعایت مصلحت مسلمین و نظام اسلامی و مانند آن دانست. علاوه بر این، نائب‌رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مبنایی را که برای موضوع فوق بیان می‌دارد و آن را مهم‌تر از وجود ناامنی به عنوان مبنای توقف انتخابات برمی‌شمرد، جلوگیری از نفوذ بیگانه در رکن قانون‌گذاری کشور است (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۰۱-۸۰۲). در تأیید این دیدگاه و اهمیتی که موضوع جلوگیری از نفوذ بیگانه در ارکان کشور دارد، می‌توان به بند ۵ اصل ۳ قانون اساسی اشاره نمود که مطابق آن، دولت موظف گردیده برای دستیابی به اهداف مذکور در اصل ۲ قانون اساسی، تمامی امکانات خود را برای تحقق اهدافی، از جمله جلوگیری از نفوذ بیگانه به کار گیرد.

سؤال مهمی که در خصوص این اصل وجود دارد این است که، آیا ارائه پیشنهاد از سوی رئیس‌جمهور و تصویب مجلس شورای اسلامی مبنی بر توقف انتخابات، منوط به تحقق هر دو عامل، یعنی آغاز جنگ و اشغال نظامی کشور است؟ یا اینکه شروع جنگ برای انجام روند فوق کفایت می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، از آنجا که این اصل، استثنایی بر امر برگزاری انتخابات است و در اصل فوق نیز مقرر شده: «... انتخابات نقاط اشغال‌شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود...»؛ بنابراین، اشغال قسمتی از کشور برای طرح پیشنهاد فوق در مجلس شورای اسلامی ضروری است. اما رئیس‌جمهور از این اختیار برخوردار خواهد بود که تنها توقف انتخابات در نقاط اشغال‌شده یا توقف انتخابات در کل کشور را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد دهد. این پاسخ در صورتی صحیح است که تنها مبنای توقف برگزاری انتخابات، عدم امکان برگزاری انتخابات در نظر گرفته شود و به جهت آنکه تنها در صورت اشغال نظامی سرزمین، امکان برگزاری انتخابات در مناطق اشغالی ناممکن می‌شود؛ بنابراین، بروز جنگ و اشغال نظامی به صورت توأمان، شرط توقف انتخابات دانسته شود. اما براساس آنچه که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد بحث واقع شده است و پیش‌تر به آن اشاره گردید، به جهت آنکه علل و مبنای توقف انتخابات به عدم امکان برگزاری انتخابات محدود نمی‌شود و عواملی چون بروز ناامنی و امکان نفوذ اجانب و مانند آن نیز می‌تواند از موجبات توقف انتخابات در شرایط جنگی در نظر گرفته شود؛ لذا، با یک برداشت موسّع و فرامتنی می‌توان گفت، در صورتی که با وقوع جنگ هر چند بدون اشغال نظامی، در مناطقی از کشور بیم نفوذ اجانب و یا عدم امکان برگزاری انتخابات در شرایط آزاد باشد؛ می‌توان به توقف انتخابات در آن مناطق پس از طی فرآیند مندرج در صدر اصل ۶۸ اقدام نمود. شایان ذکر است تاکنون هیچ‌گاه انتخابات به جهت بروز جنگ متوقف نشده است؛ اما اشغال نظامی یا

عوامل مشابه، موجبات توقف انتخابات مجلس در برخی حوزه‌های انتخابیه بوده است. ضمن آنکه توقف انتخابات برخی مناطق به جهت اشغال نظامی که در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد، ناظر به اشغال نظامی ناشی از تهاجم بیگانگان به کشور نبوده؛ بلکه ناظر به اشغال نظامی برخی مناطق کردنشین کشور توسط برخی گروه‌های ضد مردمی داخلی بوده است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵).

۳-۲. بلایای طبیعی، تخلفات انتخاباتی، ناامنی و مانند آن

علاوه بر مواردی که در صدر اصل ۶۸ قانون اساسی جهت توقف انتخابات تصریح شده است، می‌توان به شرایط دیگری مانند وقوع بلایای طبیعی، تخلفات انتخاباتی، ناامنی و مانند آن نیز اشاره نمود؛ که به عنوان موانعی واقعی در مسیر برگزاری انتخابات یا امکان انتخاب آزادانه اشخاص قلمداد شوند. به همین جهت، در خصوص حصری یا تمثیلی بودن شرایط مذکور در صدر این اصل باید گفت؛ هرچند حصری بودن وضعیت‌هایی که در صورت بروز آنها می‌توان برگزاری انتخابات مجلس را متوقف نمود، در بردارنده مصلحتی همچون پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از قبیل متوقف ساختن انتخابات به دلایل واهی است؛ اما اولاً، با سازوکار در نظر گرفته شده در اصل ۶۸ برای توقف انتخابات، عملاً امکان سوءاستفاده منتفی خواهد بود و ثانیاً، حصری بودن موانع برگزاری انتخابات، هم از لحاظ منطقی و هم از لحاظ عملی، مشکلاتی را به وجود می‌آورد. بنابراین، اگر اصل ۶۸ قانون اساسی، تنها به جنگ و اشغال نظامی کشور به عنوان موجبات توقف انتخابات تصریح کرده است؛ بدان جهت بوده است که جنگ و اشغال نظامی، مهم‌ترین و حادث‌ترین مسائلی هستند که می‌توانند حق بر مشارکت سیاسی شهروندان را به مخاطره انداخته یا دچار تعطیلی موقت نمایند.

البته، در صورت توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جهت پاسخ به این سؤال، به نظر می‌رسد حالات مذکور در صدر اصل، حصری بوده و تنها در صورت وجود جنگ و اشغال نظامی کشور می‌توان مطابق این اصل، اقدام به توقف انتخابات در نقاط اشغال شده یا کل کشور نمود. چنانکه در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان در مواردی مانند بروز اغتشاشات، شورش‌ها و جنگ‌های داخلی نیز با استناد به اصل ۶۸، برگزاری انتخابات را متوقف ساخت یا اینکه توقف انتخابات تنها منوط به تهاجم دشمن خارجی به کشور است؟ (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۰۱)؛ نائب‌رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بیان می‌دارد: «... یک وقتی شرایط انتخابات در بعضی از مناطق از نظر امنیت فراهم نیست؛ یعنی ناامنی است. آن یک مطلب است و این مطلبی که در این اصل وجود دارد، مطلب دیگری می‌تواند باشد. اگر شرایط مساعد نباشد که برای مدت موقتی در یک نقطه معینی انتخابات بکنند یا نکنند، این مسئله را اگر لازم باشد در یک اصل می‌آوریم، اگر هم لازم نباشد

نمی‌آوریم. اینجا بیشتر ناظر به این است که در مناطقی که تحت اشغال بیگانه است، اصولاً اگر هم انتخابات میسر باشد، از نفوذ بیگانه دور نیست. مهم، جلوگیری از اِعمال نفوذ بیگانه است، نه امکان انتخاب کردن و نکردن» (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۰۱-۸۰۲). با این توضیح، روشن می‌شود که با استناد به اصل ۶۸ قانون اساسی، نمی‌توان انتخابات مجلس شورای اسلامی را به دلیل بروز جنگ‌ها و ناامنی‌های داخلی متوقف نمود؛ بلکه توقف انتخابات به استناد اصل ۶۸، تنها با استناد به بروز جنگ و اشغال نظامی کشور توسط بیگانگان امکان‌پذیر است. در همین رابطه، یکی از نمایندگان حاضر در جلسه مربوط به بحث و بررسی پیرامون تصویب اصل ۶۸ قانون اساسی، از اختصاص جنگ به عنوان عامل متوقف‌کننده برگزاری انتخابات به موردی که عامل خارجی در به وجود آوردن آن نقش داشته باشد، انتقاد می‌نماید (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۰۰). با توجه به عدم تفاوت میان بروز هجوم نظامی و اشغال کشور به دست دشمن و وقوع جنگ‌های داخلی، شورش‌ها و حتی بلایای طبیعی در عدم امکان برگزاری صحیح انتخابات، به نظر می‌رسد بهترین رویکرد، عدم نگرش حصرگرایانه به موارد مندرج در صدر اصل ۶۸ جهت توقف انتخابات است.

با این حال، رویه عملی به نحو دیگری بوده است. چنانکه در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، انتخابات برخی مناطق کشور به جهاتی از جمله تسخیر بخشداری یکی از حوزه‌های انتخابیه یا اشغال نظامی برخی مناطق کردنشین توسط برخی گروهک‌های داخلی و مانند آن، متوقف می‌شود (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵). یا در انتخابات مجلس هفتم به جهت وقوع زلزله ۶/۶ ریشتری در شهرستان بم، انتخابات مجلس در این حوزه انتخابیه برگزار نمی‌گردد (روزنامه رسمی، ۱۳۸۳/۲/۱۴). علاوه بر این، یکی از موارد توقف انتخابات در قوانین انتخاباتی، تخلف در انتخابات به نحوی است که صحت انتخابات و حسن جریان آن را مخدوش سازد. در این زمینه می‌توان به تبصره ۲ ماده ۳۴ و ماده ۷۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۰۹/۰۷ و ماده ۱۰ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۰۵/۰۹ اشاره نمود. تبصره ۲ ماده ۳۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۰۹/۰۷ مقرر می‌دارد: «در صورت غیبت فرماندار یا بخشدار و یا رئیس ثبت احوال حوزه انتخابیه و یا بروز هر نوع اختلاف در هیأت اجرایی که منجر به توقف انتخابات شود، هیأت نظارت موظف است مراتب را به فوریت به هیأت نظارت مافوق گزارش دهد». همان‌طور که مشاهده می‌شود، در تبصره مذکور ضمن اشاره به برخی موجبات توقف انتخابات، به موانعی که در اصل ۶۸ قانون اساسی برای توقف انتخابات مورد تصریح قرار گرفته، اشاره‌ای نشده است. از این حیث می‌توان گفت، شورای نگهبان نگاهی حصری به موارد مذکور در صدر اصل ۶۸ قانون اساسی جهت توقف انتخابات نداشته است. با این حال، این شورا در مواردی نیز قائل به حصری بودن موجبات توقف انتخابات در اصل ۶۸ قانون اساسی بوده

است و بر این اساس، توقف انتخابات در غیر از موارد فوق را مجاز ندانسته است. به عنوان مؤیدی بر ادعای فوق، می توان به نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۶۶۵ شورای نگهبان به تاریخ ۱۳۸۰/۰۸/۳۰ در رابطه با طرح سه فوریتی الحاق سه تبصره به ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۰/۸/۲۹ مجلس شورای اسلامی اشاره نمود.^۱

در این اصلاحیه، به منظور ساماندهی نحوه رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، مواردی طرح گردیده بود و برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلس در استان گلستان را تا تطبیق وضع داوطلبان با این قانون به تعویق می انداخت.^۲ شورای نگهبان در این نظر مقرر می دارد: «در قانون اساسی جمهوری اسلامی، توقف انتخابات صرفاً در اصل ۶۸ پیش بینی شده است. چون مفاد تبصره ۶ به نحوی مستلزم توقف انتخابات استان گلستان در غیر موارد مذکور در این اصل می باشد؛ این تبصره مغایر با قانون اساسی شناخته شد». بر این اساس، می توان دوگانگی مواجهه شورای نگهبان با اصل ۶۸ قانون اساسی را در ارائه نظریات خویش نسبت به قوانین ملاحظه نمود.

در قوانین دیگر از جمله تبصره ۱ ماده ۷ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۸۵/۰۱/۳۱، ماده ۹ و ۱۸ آیین نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۵۹/۰۷/۱۰، ماده ۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵، ماده ۸ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۴، ماده ۸۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱^۳ و تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵/۰۴/۲۹ که در تاریخ ۱۳۶۹/۰۹/۰۵ توسط مجلس شورای اسلامی اصلاح گردید، به مواردی که منجر به توقف انتخابات می شود، اشاره شده و در هیچ کدام، به عامل جنگ و اشغال نظامی کشور به عنوان تنها عامل توقف انتخابات بسنده نشده است.

۱. در تبصره ۴ این اصلاحیه آمده بود: «تبصره ۴- برای اثبات و احراز شرایط مندرج در بندهای (۱)، (۳) و (۵) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۰۹/۰۷ تنها ابراز کتبی توسط داوطلب و عدم اعلام کتبی و مستند از سوی مراجع مذکور در ماده (۴۸) قانون انتخابات فوق الذکر برای بررسی سوابق داوطلبان در محدوده صلاحیت ذاتی آنها (وزارت اطلاعات، دادستانی کل کشور، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل) مبنی بر عدم وجود شرایط، کافی است».

۲. در تبصره ۶ این اصلاحیه آمده بود: «تبصره ۶- انتخابات میان دوره ای دوره ششم مجلس شورای اسلامی در استان گلستان تا تطبیق وضع داوطلبان با این قانون به تعویق می افتد».

۳. در این ماده آمده است: «در حوزه های انتخابیه ای که به علت بروز حوادث غیر مترقبه و مسائل سیاسی و امنیتی برگزاری انتخابات امکان پذیر نباشد، انتخابات آن حوزه ها تا رفع موانع متوقف می شود. تشخیص این موانع با وزیر کشور می باشد».

۴. سازوکار قانونی توقف انتخابات مجلس

در صورت بروز جنگ و اشغال نظامی کشور و یا هرگونه شرایطی که مانع برگزاری انتخابات گردد؛ قانون‌گذار اساسی، فرآیندی پیش‌بینی نموده که توقف انتخابات در این شرایط، منوط به طی این فرآیند است. در ادامه به بررسی این فرآیند پرداخته می‌شود.

۴-۱. مرحله نخست؛ پیشنهاد رئیس‌جمهور

به جهت آنکه برگزاری انتخابات، یک امر اجرایی است و تشخیص امکان یا عدم امکان برگزاری به جهت ابزار و امکاناتی که در ید قوه مجریه بوده توسط این قوه ممکن است، ابتکار این موضوع منوط به پیشنهاد رئیس‌جمهور قرار داده شده است. در تبیین ماهیت «پیشنهاد» رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی و بیان مراد قانون‌گذار اساسی از به‌کارگیری این واژه باید گفت، پیشنهاد مذکور به معنای «لایحه»، که در اصل ۷۴ قانون اساسی از آن یاد شده و مصوبات هیأت‌وزرا در قالب آن به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود، نیست؛ بلکه قانون‌گذار در قانون اساسی، برخی اختیارات ویژه را برای رئیس‌جمهور مورد شناسایی قرار داده که ارائه مستقیم پیشنهاد مذکور به مجلس شورای اسلامی، یکی از آنها است. چنانکه از دیگر اختیارات ویژه رئیس‌جمهور می‌توان به تقاضای وی به موجب اصل ۶۹ جهت تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس در شرایط اضطراری و در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب نماید، اشاره نمود. بر این اساس نیز در ماده ۸ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی، تنها به «کتابی بودن» پیشنهاد ارائه‌شده از سوی رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی اشاره شده و به الزام رئیس‌جمهور در ارائه پیشنهاد به صورت لایحه، سخنی به میان نیامده است. علاوه بر این، الزام رئیس‌جمهور به ارائه پیشنهاد مذکور در قالب لایحه، به جهت آنکه طبق اصل ۷۴ قانون اساسی، لوایح قانونی می‌بایست در هیأت‌وزیران به تصویب برسد و این امر خود، موجب طولانی شدن روند بررسی موضوع توقف انتخابات خواهد شد و با توجه به اهمیت مقوله توقف انتخابات و لزوم تصمیم‌گیری فوری در این زمینه، تصویب هیأت‌وزیران مانعی در این مسیر به‌شمار می‌رود.

همچنین، موضوع ارائه پیشنهاد جهت توقف انتخابات در صورت بروز جنگ و اشغال نظامی کشور، محدود به زمان پیش از شروع انتخابات نبوده و چنانچه در جریان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز شرایط جنگ و اشغال نظامی برای کشور ایجاد شود و امکان برگزاری و ادامه انتخابات وجود نداشته باشد، طبق اصل ۶۸ قانون اساسی، برای توقف انتخابات در نقاط اشغال‌شده یا کل کشور، لازم است با پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس و تأیید شورای نگهبان، اقدام شود. ماده ۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۲، مجلس شورای اسلامی در این رابطه مقرر می‌دارد: «چنانچه در جریان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز، به لحاظ وقوع جنگ، برگزاری انتخابات در یک یا چند حوزه انتخابیه متعسر گردد؛ وزارت کشور بلافاصله گزارش توجیهی شروع توقف انتخابات را به رئیس‌جمهور تسلیم می‌نماید تا برابر ماده ۸ این قانون عمل نماید».

۴-۲. مرحله دوم؛ تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان

به موجب اصل ۶۸ قانون اساسی در شرایطی که جنگ و اشغال نظامی کشور مانع برگزاری انتخابات مجلس در کل یا مناطقی از کشور است، توقف انتخابات مجلس پس از ارائه پیشنهاد توسط رئیس‌جمهور، منوط به تصویب آن توسط سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس است. از دلایل واگذاری توقف انتخابات به تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس را می‌توان رعایت مصالح واقعی کشور در این شرایط دانست. چراکه نمایندگان مجلس فعلی که وظیفه تصمیم‌گیری در خصوص توقف انتخابات را برعهده دارند، در این موضوع ذینفع هستند. بنابراین، در صورت تعیین نصاب اندکی برای تصویب آن، تضمین کمتری جهت رعایت بی‌طرفی در اتخاذ این تصمیم وجود خواهد داشت. علاوه بر این، به‌منظور کاستن از مفاسد احتمالی واگذاری این تصمیم به نمایندگان مجلس، قانون‌گذار اساسی ابتکار عمل در خصوص موضوع توقف انتخابات را در صلاحیت رئیس‌جمهور قرار داده و مجلس نمی‌تواند از طریق طرح، به این موضوع ورود نماید. ممکن است گفته شود که واگذاری ابتکار پیشنهاد توقف انتخابات به رئیس‌جمهور و عدم صلاحیت مجلس در ابتکار این موضوع، تضمینی جهت سوءاستفاده از این اصل نیست؛ به جهت آنکه در بسیاری موارد دولت با مجلس همسو است و ممکن است تمایلی به تغییر مجلس نداشته باشد. در پاسخ به این اشکال باید گفت، حتی اگر فرض شود که رئیس‌جمهور نیز از توقف انتخابات و تمدید دوره فعلی مجلس بهره‌مند می‌شود و به‌همین دلیل، در خصوص این موضوع با مجلس تبانی خواهد نمود، باز هم به این دلیل که نهادی به نام شورای نگهبان مسئول تأیید مصوبه مجلس شده است، در صورت وجود کوچک‌ترین شائبه‌ای در موضوع توقف انتخابات، این شورا می‌تواند با مصوبه مجلس در این خصوص، مخالفت نماید. با این توصیف، سپردن تصویب پیشنهاد رئیس‌جمهور در رابطه با توقف انتخابات به مجلس شورای اسلامی با وجود تردید در خصوص صلاحیت این نهاد، فاقد اشکال خواهد بود.

۴-۳. مرحله سوم: تأیید شورای نگهبان

چنانکه در اصل ۶۸ قانون اساسی آمده است، پس از پیشنهاد رئیس‌جمهور مبنی بر توقف انتخابات مجلس در شرایط جنگ و اشغال نظامی کشور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، سومین مرجعی است که جهت توقف انتخابات می‌بایست نظر خود را در رابطه

با پیشنهاد رئیس جمهور و مصوبه مجلس اعلام دارد. در همین رابطه، در مواقعی که مجلس شورای اسلامی طی مصوبه خود اعلام نظر شورای نگهبان را پیش از تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مقرر داشته است، شورای نگهبان به استناد اصل ۶۸ قانون اساسی به آن مصوبه اشکال نموده است. چنانکه این شورا در نظریه شماره ۶۰۶۱ مورخ ۱۳۶۵/۳/۱ خود در خصوص ماده ۱۲ طرح تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی مبنی بر: «ماده ۱۲- چنانچه در جریان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز به لحاظ وقوع جنگ، برگزاری انتخابات در يك یا چند حوزه انتخابیه متأثر گردد؛ وزارت کشور با تأیید شورای نگهبان، بلافاصله گزارش توجیهی شروع توقف انتخابات را به رئیس جمهور تسلیم می‌نماید تا برابر ماده ۱۱ این قانون عمل نماید»، اینگونه اعلام می‌دارد: «نسبت به ماده ۱۲ با توجه به اینکه طبق اصل ۶۸، تأیید شورای نگهبان پس از تصویب مجلس شورای اسلامی لازم است، جمله (کسب تأیید شورای نگهبان) برای گزارش، با قانون اساسی مغایر است».

نکته مهمی که در رابطه با تأیید مصوبه مجلس در خصوص توقف انتخابات توسط شورای نگهبان وجود دارد و لازم به بررسی است، ماهیت «تأیید» شورای نگهبان نسبت به مصوبه مجلس در رابطه با توقف انتخابات است. در این خصوص می‌توان چهار فرضیه را مطرح نمود: ۱- تأیید مذکور، مصداق اصل ۹۴ قانون اساسی یعنی نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس باشد. ۲- وظیفه این شورا در اصل ۶۸ از باب نظارت بر انتخابات موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی باشد. ۳- ماهیتی قابل تطبیق بر هریک از دو مورد پیشین داشته باشد. ۴- ماهیتی متفاوت از نظارت این شورا بر مصوبات مجلس و مقوله انتخابات داشته باشد. در اینکه کدام یک از فرضیات فوق از اتقان بیشتری برخوردار است، با استفاده از مشروح مذاکرات صورت گرفته میان نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص تصویب این اصل، نمی‌توان مؤیدی در رابطه با هیچ یک از این فرضیات به دست آورد. اما توجه به آثار پذیرش هریک از این فرضیات، می‌تواند در دستیابی به فرضیه صحیح یاری‌گر باشد.

در بررسی فرضیه نخست می‌توان گفت، با توجه به اینکه آنچه در مجلس شورای اسلامی پس از ارائه پیشنهاد از طرف رئیس جمهور مبنی بر توقف انتخابات به تصویب می‌رسد، تحت عنوان کلی «مصوبه» جای گرفته و از این رو حکم کلی مصوبات که در اصل ۹۴ قانون اساسی به آن تصریح شده، در مورد آن نیز جاری است. با این توصیف، مطابق اصل ۹۴، مصوبه مذکور نیز مانند سایر مصوبات مجلس می‌بایست توسط شورای نگهبان از جهت عدم مغایرت با موازین اسلام و قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد. ضمن آنکه از نگاه شورای نگهبان آنچه به عنوان مصداق مصوبه مجلس شناخته می‌شود، می‌بایست برای اعلام نظر توسط این شورا ارائه گردد. در این رابطه می‌توان به نظر تفسیری شماره ۱۳۸۱/۳۰/۴۱۰۴ شورای نگهبان به تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ ذیل اصل ۵۹ قانون اساسی اشاره نمود که مطابق آن، «درخواست

مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی، از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی، به شورای نگهبان ارسال شود». همچنین، می‌توان به نظر تفسیری شماره ۹۴۰۴ شورای نگهبان به تاریخ ۱۳۶۲/۰۵/۲۴ ذیل اصل ۹۴ قانون اساسی نیز اشاره نمود که مطابق نظر شورا، تفسیر قوانین عادی نیز از آنجا که در قالب مصوبه مجلس صورت می‌پذیرد، مشمول اصل ۹۴ است. در نقد پذیرش این فرضیه نیز می‌توان گفت، چنانکه فرضیه نخست پذیرفته شود و تأیید شورای نگهبان ناظر به صلاحیت آن نهاد به موجب اصل ۹۴ قانون اساسی مبنی بر بررسی تطابق مصوبه مجلس با شرع و قانون اساسی باشد؛ در چنین شرایطی شورای نگهبان تنها در صورتی می‌تواند با آن مصوبه مخالفت نماید که مغایرتی با شرع یا قانون اساسی داشته باشد. علاوه بر این، مطابق ذیل اصل ۹۴ قانون اساسی، این مصوبه نیز مشابه مصوبات موضوع اصول مختلف قانون اساسی پس از ارسال به شورای نگهبان، حتی در صورت سکوت و عدم اعلام نظر از سوی این شورا در مهلت مقرر، لازم‌الاجرا خواهد بود. اشکال دیگری که به پذیرش فرضیه اول وارد است آنکه، صلاحیت شورای نگهبان و فقهای آن از حیث اصل ۹۴، صلاحیتی عام است که نسبت به تمامی مصوبات مجلس اعمال می‌شود. به همین جهت، تصریح به آن در اصل ۶۸ قانون اساسی فاقد وجه می‌نماید؛ چراکه عدم تصریح به آن نیز مانع اعمال صلاحیت شورا از جهت اعمال اصل ۹۴ قانون اساسی نخواهد بود.

در خصوص بررسی فرضیه دوم، در یک نگاه، تأیید فوق ناشی از نقش نظارتی این شورا بر انتخابات است. دلیل این ادعا نیز این است که اولاً، مطابق اصل ۷۴ قانون اساسی، آنچه از طرف دولت به مجلس شورای اسلامی برای بررسی و تصویب سپرده می‌شود، «لایحه» نام دارد که پس از تصویب در مجلس، مطابق اصل ۹۴ می‌بایست توسط شورای نگهبان مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که مطابق اصل ۶۸ قانون اساسی، آنچه به مجلس ارائه می‌گردد، «پیشنهاد» نام داشته و علاوه بر آن، تصویب هیأت‌وزیران نیز در مورد آن پیش‌بینی نشده تا عنوان لایحه بر آن صادق باشد. ثانیاً، مطابق اصل ۹۴ قانون اساسی، شورای نگهبان وظیفه تشخیص و اعلام مغایرت مصوبه مجلس با موازین اسلام و قانون اساسی را برعهده داشته و به همین دلیل به تصریح این اصل، شورا موظف است در صورتی که مصوبه مجلس را مغایر با موارد فوق تشخیص داد، آن را به منظور تجدیدنظر به مجلس اعاده دهد؛ اما در صورتی که شورا نظری نسبت به رد یا تأیید مصوبه مجلس اعلام ننمود، مصوبه، قابل اجرا تلقی می‌شود. به عبارت بهتر، سکوت و عدم اعلام نظر نسبت به مصوبه مجلس از سوی شورای نگهبان، به منزله تأیید این مصوبه است. این در حالی است که مطابق اصل ۶۸، مصوبه مجلس در رابطه با توقف انتخابات، زمانی قابل اجرا خواهد بود که شورای نگهبان آن را تأیید نماید. به عبارت دیگر، سکوت شورای نگهبان در خصوص این مصوبه، به معنای رد این مصوبه و نه تأیید آن، خواهد بود. بنابراین، مصوبه موضوع اصل ۶۸ قانون اساسی از سنخ مصوبات موضوع اصل ۹۴ قانون اساسی نبوده و با آنها تفاوت دارد. ثالثاً، مطابق اصل ۹۹

قانون اساسی، شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی نظارت دارد و بدیهی است که اعمال نظارت مذکور، بدون داشتن اختیار در مقوله توقف انتخابات، اساساً امکان‌پذیر نیست. به عبارت روشن‌تر، از آنجا که توقف انتخابات، یکی از ضمانت اجرای نظارت بر انتخابات و یکی از لوازم تفکیک نشدنی از آن محسوب می‌شود؛ بنابراین، به صورت طبیعی می‌بایست در اختیار نهادی قرار داشته باشد که وظیفه نظارت بر انتخابات را برعهده دارد. علاوه بر همه این موارد، می‌توان این سؤال را مطرح نمود که اگر تأیید شورای نگهبان در اصل ۶۸ را به منزله مصداقی از صلاحیت این شورا در اصل ۹۴ بدانیم، چه دلیلی وجود داشته که در اصل ۶۸، مجدداً به این صلاحیت تصریح شود؟ اگر در پاسخ گفته شود، ذکر صلاحیت مذکور در اصل ۶۸ از باب تأکید بوده و نشانگر اهمیت آن است؛ این سؤال مطرح می‌شود که به چه دلیل در اصولی مانند اصل ۷۸ (تغییر خطوط مرزی) و ۷۹ (ایجاد محدودیت‌های ضروری در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن) قانون اساسی که به موضوعات مهم‌تری پرداخته‌اند، اشاره‌ای به این صلاحیت شورای نگهبان نشده است؟ از سوی دیگر، به عنوان مؤیدی بر صحت تطبیق وظیفه نظارتی شورای نگهبان نسبت به انتخابات، بر وظیفه این شورا در اصل ۶۸، می‌توان گفت، شورای نگهبان در نظر تفسیری شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۰۳/۰۱ خود بیان می‌نماید: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود». از آنجا که شورای نگهبان در عبارت فوق، نظارت خود را شامل تمامی مراحل برگزاری انتخابات اعم از قبل، حین برگزاری و پس از آن دانسته و از سویی، تصمیم‌گیری این شورا در رابطه با توقف یا برگزاری انتخابات را می‌توان یکی از مراحل انتخابات (در کنار ثبت نام از داوطلبین، احراز صلاحیت آنها، تأیید نتیجه انتخابات و...) و البته یکی از مهم‌ترین آنها دانست؛ بنابراین، وظیفه شورای نگهبان در اصل ۶۸ را می‌توان یکی از مصادیق نظارت این شورا بر انتخابات دانست.

در بررسی فرضیه سوم در تعیین ماهیت «تأیید» شورای نگهبان نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی در رابطه با توقف انتخابات در برخی مناطق کشور یا کل آن، به نظر می‌رسد نمی‌بایست الزاماً بر انتخاب یکی از دو کارکردی که شورای نگهبان مطابق اصول ۹۴ و ۹۹ قانون اساسی برعهده دارد، پافشاری نمود؛ چراکه از سویی، موضوع توقف انتخابات در قالب یک مصوبه به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌رسد و مطابق اصل ۹۴، تمامی مصوبات مجلس شورای اسلامی می‌بایست توسط شورای نگهبان از جهت عدم مغایرت با موازین اسلام و قانون اساسی، مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد زمان معینی که انتخابات در آن زمان متوقف می‌گردد، از سوی رئیس‌جمهور پیشنهاد شده و مجلس نیز می‌بایست در مصوبه خود، توقف انتخابات را تنها در همان بازه زمانی به تصویب رساند. از سوی دیگر و به استناد اختیار شورای نگهبان بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان نسبت به بررسی امکان برگزاری انتخابات در برخی مناطق کشور یا کل آن، از اختیار کامل

برخوردار است. همچنین، از آنجا که نظارت بر انتخابات تنها شامل روز برگزاری انتخابات نشده، بلکه شامل روندی است که بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را نیز دربرمی‌گیرد؛ بنابراین، شامل بررسی امکان یا عدم امکان برگزاری انتخابات که طبیعتاً موضوعی مربوط به پیش از برگزاری انتخابات است نیز می‌شود. با این توصیف روشن می‌شود که وظیفه نهاده شده برعهده شورای نگهبان مطابق اصل ۶۸ قانون اساسی، قابل تطبیق بر هریک از دو وظیفه این شورا مطابق اصول ۹۴ و ۹۹ قانون اساسی خواهد بود.

در بررسی فرضیه چهارم، گرچه به نظر می‌رسد این تفسیر که تأیید شورای نگهبان نسبت به مصوبه مجلس در رابطه با توقف انتخابات از باب نظارت این شورا بر انتخابات است، قابل قبول‌تر از صلاحیت این شورا در اعلام نظر نسبت به مصوبات مجلس باشد. با این حال، توجیه فوق نیز خالی از اشکال نیست؛ چراکه اولاً، در زمان تصویب اصل ۶۸ قانون اساسی، اصول مربوط به شورای نگهبان و ازجمله آنها اصل ۹۹ این قانون به تصویب نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نرسیده بود. بنابراین، نمایندگان این مجلس هیچ‌گونه اطلاع و آگاهی نسبت به وظیفه شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی نداشته‌اند تا اینکه بر مبنای آن، وظیفه تأیید مصوبه مجلس موضوع اصل ۶۸ را نیز برعهده این نهاد بگذارند.^۱ ثانیاً، پیشنهادات برخی نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در رابطه با نهادن وظیفه تأیید مصوبه توقف انتخابات برعهده شورای رهبری - خواه با همراهی شورای نگهبان (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۰۰) یا به تنهایی (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۰۱) - نشان‌دهنده این نکته است که اساساً، بحث نظارت بر انتخابات در رابطه با تأیید مصوبه مجلس نمی‌تواند مطرح باشد. به عبارت روشن‌تر، از آنجا که مطابق قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، شورای رهبری وظیفه‌ای نسبت به نظارت بر انتخابات برعهده نداشته است؛ بنابراین، پیشنهاد تأیید مصوبه توقف انتخابات توسط این نهاد و همچنین شورای نگهبان، نمی‌توانسته به استناد وظیفه نظارتی این دو نهاد بر انتخابات صورت گرفته باشد. سؤالی که می‌تواند در اینجا مطرح شود این است که با توضیح فوق، به چه دلیل نهادی مانند شورای نگهبان برای تأیید مصوبه توقف انتخابات، از سوی نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تعیین شده است؟ با توجه به آنچه گذشت و همچنین، توجه به موضوع مهم توقف انتخابات که ارتباط عمیقی با حق تعیین سرنوشت پیدا می‌کند و نیز این نکته که مقام پیشنهاددهنده توقف انتخابات، شخص رئیس‌جمهور و نهاد تصویب‌کننده آن، مجلس شورای اسلامی است؛ روشن می‌شود که تنها هدف نمایندگان حاضر در جلسه مربوط به تصویب اصل

۱. در تأیید این دیدگاه می‌توان گفت اصل ۶۸ قانون اساسی در جلسه سی و یکم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به تصویب نمایندگان این مجلس رسیده است، در حالی که اصل ۹۹ قانون اساسی در جلسات سی و ششم و شصت و چهارم مجلس فوق (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۶۵-۹۷۰؛ ج ۳، ص ۱۷۶۲)، مورد بحث و بررسی و نهایتاً تصویب قرار گرفته است.

۶۸، تعیین مرجعی بی‌غرض، بی‌طرف، مورد اعتماد و دارای شأنتی بالاتر از مجلس و رئیس‌جمهور جهت تصمیم‌گیری نهایی در خصوص توقف یا عدم توقف انتخابات و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده در این زمینه، بوده است. نکته مثبت پذیرش چنین فرضیه‌ای آن است که شورای نگهبان در اعلام نظر خود، محدود به تطبیق مصوبه مجلس با موازین اسلام و قانون اساسی نخواهد بود و می‌تواند به مصلحت نیز در نظر اعلامی خود استناد نماید. به عبارت واضح‌تر، شورای نگهبان می‌تواند مصوبه مجلس را علاوه بر تطبیق با دو مورد پیشین، با مصلحت کشور و نظام حاکم نیز تطبیق داده و در صورت مغایرت مصوبه مجلس با این عنصر، آن را رد نماید. به عنوان مؤیدی برای این احتمال می‌توان به این نکته اشاره نمود که، در اصول مختلف قانون اساسی و در تبیین وظیفه شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس شورای اسلامی، تنها از دو واژه «تشخیص»^۱ و «بررسی»^۲ استفاده شده است؛ در حالی که در اصل ۶۸ قانون اساسی، از واژه‌ای متفاوت با این دو واژه یعنی «تأیید»، بهره گرفته شده است که همین امر، نشان‌دهنده ماهیت متفاوت وظیفه انجام‌شده توسط این شورا نسبت به وظیفه این شورا در قبال سایر مصوبات مجلس است. در تأیید این فرضیه، ذکر این نکته لازم است که با توجه به صلاحیتی که شورای نگهبان به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی اصلاحی مصوب ۱۳۶۸ در خصوص نظارت بر انتخابات مجلس دارد، انحصار توقف انتخابات به طی فرآیند مذکور در اصل ۶۸ مبنی بر ارائه پیشنهاد توسط رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و سپس تأیید شورای نگهبان، محل تأمل است. به جهت آنکه در صورت ملاحظه سوءجریان یا تخلف مجریان انتخابات یا سایر مواردی که صحت انتخابات را مخدوش سازد، مطابق مواد ۱۰ و ۱۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵، این شورا می‌تواند پس از پیشنهاد هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات نسبت به ابطال یا توقف انتخابات اقدام نماید. در زویه عملی نیز، شورای نگهبان پس از پیشنهاد وزیر کشور و بررسی موضوع نسبت به توقف یا عدم توقف انتخابات بدون طی فرآیند مذکور در اصل ۶۸ قانون اساسی، تصمیم‌گیری نموده است.^۳ تنها برآیندی که از نحوه ارائه نظرات شورای نگهبان به استناد اصل ۶۸ نیز می‌توان داشت، آن است که طی فرآیند مذکور در اصل ۶۸ در صورت بروز جنگ و اشغال نظامی کشور ضروری است و در چنین شرایطی، ابتکار پیشنهاد توسط رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم

۱. در این رابطه می‌توان به اصل ۴ و اصل ۷۲ و اصل ۸۵ و اصل ۹۶ قانون اساسی اشاره نمود.

۲. در این رابطه می‌توان به اصل ۹۴ قانون اساسی اشاره کرد.

۳. در همین رابطه شورای نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۰ در پی نامه وزیر کشور وقت جهت تعویق انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی پس از بررسی موضوع نامه و شرایط جامعه با تعویق انتخابات مجلس مخالفت می‌نماید. جهت ملاحظه نامه اول و دوم وزیر کشور وقت به شورای نگهبان (ر.ک: خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲/۱۱/۹؛ ۱۳۸۲/۱۱/۱۱) جهت ملاحظه پاسخ شورای نگهبان (ر.ک: خبرگزاری فارس، ۱۳۸۲/۱۱/۱۰).

مجموع نمایندگان مجلس و تأیید شورای نگهبان برای توقف انتخابات مجلس لازم است. بر این اساس، در قوانین مربوط به انتخابات مجلس و قانون مربوط به صلاحیت رئیس جمهور در خصوص توقف انتخابات به موجب بروز جنگ و اشغال نظامی کشور، طی فرآیند مذکور در اصل ۶۸ قانون اساسی پیش‌بینی شده است و در سایر موارد، به این فرآیند تصریح نشده و فرآیند ساده‌تری پیش‌بینی گردیده است.

۵. محدودیت‌های زمانی و مکانی توقف انتخابات مجلس

الزام به تعیین مدت معین جهت توقف انتخابات در شرایط بروز جنگ و اشغال نظامی کشور از مهم‌ترین عواملی است که صلاحیت رئیس جمهور و همچنین، نمایندگان مجلس را در امر توقف انتخابات محدود می‌نماید و از این طریق، مانع از سوءاستفاده احتمالی مقامات فوق و تعویق بی‌جهت انتخابات و ایجاد ابهام در مورد زمان برگزاری انتخابات می‌شود. علاوه بر این، با توجه به متن صدر اصل ۶۸ که بیان می‌دارد: «به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان، انتخابات نقاط اشغال‌شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود»، می‌توان دریافت که رئیس جمهور به‌عنوان تنها مرجع پیشنهاددهنده توقف انتخابات در شرایط جنگ و اشغال نظامی کشور، لازم است در پیشنهاد خود مدت زمان توقف انتخابات و مناطق اشغال‌شده‌ای که برگزاری انتخابات در آنها مقدور نیست را به‌طور معین ذکر نماید. مطابق این برداشت، ماده ۸ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی، تصریح نموده است پیشنهاد ارائه شده از سوی رئیس جمهور در خصوص توقف انتخابات نقاط اشغال‌شده یا تمامی کشور باید کتبی و با ذکر مدت باشد. در صورت ضرورت تمدید مدت زمان توقف انتخابات در شرایط جنگ و اشغال نظامی نیز مطابق اصل ۶۸، رئیس جمهور، مرجع پیشنهاد تمدید توقف انتخابات است. مجلس نیز به‌جهت عدم صلاحیت ابتکار طرح در این خصوص نمی‌تواند نسبت به افزایش زمان پیشنهادی و مناطقی فراتر از آنچه در پیشنهاد رئیس جمهور جهت توقف انتخابات ذکر شده، اقدام نماید؛ بلکه مجلس، صرفاً در چارچوب پیشنهاد ارائه‌شده می‌تواند به تأیید یا رد آن بپردازد. به این معنا که امکان افزایش مدت زمان پیشنهادی یا افزودن مناطق دیگری به غیر از آنچه رئیس جمهور در پیشنهاد خود جهت توقف انتخابات ارائه نموده از سوی مجلس شورای اسلامی وجود نخواهد داشت؛ اما کاهش زمان یا مناطق پیشنهادی از این حیث، بلااشکال است. بلااشکال بودن کاهش زمان یا مناطق پیشنهادی در مصوبه مجلس نسبت به توقف انتخابات، بدان جهت است که مطابق اصل ۶۸ قانون اساسی، توقف انتخابات در شرایط جنگ و اشغال نظامی کشور صرفاً در مدت زمان و در مناطقی ممکن است که به تأیید سه مقام یا مرجع شامل رئیس جمهور، سه‌چهارم مجموع نمایندگان و شورای نگهبان رسیده باشد. از این حیث، اگر مجلس با توقف انتخابات در برخی نقاط و در مدت کمتری از آنچه در

پیشنهاد رئیس جمهور ذکر شده موافقت نماید؛ در واقع، توقف انتخابات در آن مدت زمانی و در آن مناطق با موافقت رئیس جمهور نیز همراه خواهد بود. صلاحیت شورای نگهبان در تأیید مصوبه مجلس نیز در همین چارچوب، قابل تفسیر است و پذیرش صلاحیتی فراتر از آن برای شورای نگهبان به استناد اصل ۶۸ قانون اساسی جهت افزایش مدت زمان توقف انتخابات یا افزودن مناطقی به مناطق پیشنهادی مورد تصویب مجلس جهت توقف انتخابات، با متن اصل ۶۸ همخوانی نخواهد داشت.

علاوه بر زمانی که ممکن است انتخابات به واسطه جنگ و اشغال نظامی کشور در کل یا برخی مناطق کشور متوقف شود، در ضمن برگزاری انتخابات نیز شورای نگهبان می تواند به جهت سوء جریان امور و مخدوش شدن صحت انتخابات بدون طی فرآیند مذکور در اصل ۶۸ قانون اساسی و به موجب صلاحیتی که از حیث اصل ۹۹ قانون اساسی در خصوص نظارت بر انتخابات مجلس برخوردار است؛ بنا به گزارش هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی نسبت به توقف انتخابات در کل یا برخی حوزه های انتخابیه اقدام نماید. در این صورت، مطابق تبصره ۲ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۹/۰۸/۲۵ اصلاح گردیده، وزارت کشور موظف است با هماهنگی شورای نگهبان، حداکثر ظرف مدت هفت ماه، مجدداً انتخابات را به صورت همزمان در حوزه های انتخابیه ای که انتخابات آنها متوقف شده، برگزار نماید. علاوه بر این، مطابق ماده ۱۰ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۰۵/۰۹ این مجلس: «هیأت مرکزی نظارت، حق ابطال انتخابات یا متوقف ساختن آن را ندارد. فقط باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن آن را برای شورای نگهبان بفرستد تا شورا در مورد ابطال یا متوقف کردن آن نظر بدهد». ماده ۱۱ این قانون نیز علاوه بر تأکید دوباره بر صلاحیت انحصاری شورای نگهبان در زمینه توقف انتخابات، به قطعی و لازم الاجرا بودن نظر شورا تصریح نموده است. مطابق این ماده، «نظر شورای نگهبان در مورد ابطال یا توقف انتخابات، قطعی و لازم الاجرا است. ادامه انتخابات در حوزه هایی که از طرف شورای نگهبان متوقف گردیده، بدون اعلام نظر قانونی شورای نگهبان، وجه قانونی ندارد و جز شورای نگهبان، هیچ مقام و مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد».

۶. نتیجه گیری

در جمهوری اسلامی ایران تشکیل مجلس و انتخاب نمایندگان، صرفاً از طریق انتخابات و با اتکاء به رأی مردم ممکن است. از این حیث، در شرایطی که امکان برگزاری انتخابات در کل یا مناطقی از کشور به جهت جنگ و اشغال نظامی کشور وجود ندارد، به موجب اصل ۶۸ قانون اساسی پس از پیشنهاد رئیس جمهور و موافقت سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس و تأیید شورای نگهبان، انتخابات در نقاط اشغال شده یا در کل کشور برای مدت معین متوقف می شود. در قوانین اساسی برخی کشورها نیز توقف

انتخابات مجلس در شرایط جنگ، ممکن دانسته شده است. علاوه بر جنگ و اشغال نظامی کشور، می توان به شرایط دیگری اشاره نمود که می تواند زمینه ساز توقف انتخابات شود؛ از جمله این موارد بلایای طبیعی و تخلفات انتخاباتی است. در این مواقع، شورای نگهبان از حیث صلاحیتی که به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی به منظور نظارت بر انتخابات برخوردار است، می تواند نسبت به توقف انتخابات اقدام نماید. در رابطه با فرآیندی که در اصل ۶۸ قانون اساسی جهت توقف انتخابات پیش بینی شده و ماهیت هریک از آنها، ذکر این نکته لازم است که مطابق نتایج حاصل در این پژوهش، ماهیت پیشنهاد رئیس جمهور را نمی توان لایحه دانست، به جهت آنکه لوایح قانونی پیش از ارائه به مجلس می بایست به تصویب هیأت وزیران برسد. ضرورت موافقت دوسوم مجموع نمایندگان مجلس نیز از آن جهت است که توقف انتخابات، امری استثنایی است و باید منوط به بروز موانع واقعی و غیر قابل انکار باشد و تشخیص آن می بایست به عهده قاطبه نمایندگان مردم گذاشته شود؛ تا به نمایندگی از آحاد مردم نسبت به توقف یا عدم توقف انتخابات، نظر خود را اعلام دارند. ضمن آنکه تمایل گروه اندکی از نمایندگان، موجب سوءاستفاده از این اصل نشود. ماهیت تأیید مصوبه مجلس توسط شورای نگهبان نیز صرفاً از جهت اصل ۹۴ و اصل ۹۹ نیست؛ بلکه فراتر از این موارد بوده و شورای نگهبان می تواند مصوبه مجلس را علاوه بر تطبیق با دو مورد پیشین، با مصلحت کشور و نظام حاکم نیز تطبیق داده و در صورت مغایرت مصوبه مجلس با این عنصر، آن را رد نماید.

فهرست منابع

- آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۸۵/۰۱/۳۱.
- اکبری، سید حامد (۱۳۹۰). متن قوانین اساسی کشورهای جهان به همراه اسناد مهم بین‌المللی. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲.
- قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ مجلس شورای اسلامی.
- قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۵۹/۰۷/۱۰.
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۰۹/۰۷.
- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱.
- قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی.
- قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۴ مجلس شورای اسلامی.
- مدکس، رابرت ال (۱۳۸۵). قوانین اساسی کشورهای جهان، بررسی قوانین اساسی هشتاد کشور. ترجمه: سید مقداد ترابی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.